

کتاب دانیال — ایک سو اکتالیسواں

آشکار ساختنِ نبوی بازگشتِ پاپیت و رئیس‌جمهورِ هشتم

Jeff Pippenger

2024-03-17

ما اکنون با دقتی بسیار، ویژگی‌های نبوی آن تاریخ را بررسی می‌کنیم که در آن، پاپیت به‌عنوان سرِ هشتم، یعنی از میان هفت سر، به تختِ زمین بازمی‌گردد. این کار را انجام می‌دهیم تا ویژگی‌های نبوی آن تاریخ را با دقت شناسایی کنیم که در آن، هشتمین رئیس‌جمهور، یعنی از میان هفت رئیس‌جمهور، تحققِ تشکیلِ تصویرِ وحشِ پاپی را به انجام می‌رساند. ما بررسی این حقایق را با کوهِ کرمل و جشنِ تولدِ هیرودیس آغاز کرده‌ایم. هر دو تمثیلِ مقدس، قانونِ یکشنبه‌ای را که به‌زودی در ایالات متحده پدید خواهد آمد، به تصویر می‌کشند؛ قانونی که همچنین در آیهٔ چهل و یک باب یازدهم دانیال نیز نمود یافته است.

او نیز به سرزمینِ جلال داخل خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند گردید؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادم، و موآب، و برگزیدگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

پادشاهِ جعلیِ شمال در این آیه به سرزمینِ جلال داخل می‌شود. سرزمینِ جلال در تاریخ اسرائیل باستان، سرزمینِ یهودا بود، و از آن به‌صورتِ سرزمینی که شیر و عسل در آن جاری است یاد می‌شد، و از این رو، در میان دلایلِ دیگر، جلال‌مند بود. این سرزمینِ جلال‌مند بود، زیرا مسیح شهرِ پایتختِ آن، یعنی اورشلیم، را به‌عنوان جایگاهِ معبدِ خود، و شهری که برگزید تا نامِ خویش را در آن قرار دهد، انتخاب کرد.

از روزی که قوم خود را از سرزمینِ مصر بیرون آوردم، از میان تمامی قبایل اسرائیل هیچ شهری را برنگزیدم تا خانه‌ای در آن بنا شود و نام من در آنجا باشد؛ و نیز هیچ مردی را برنگزیدم تا بر قوم من اسرائیل فرمانروا باشد. اما اورشلیم را برگزیده‌ام تا نام من در آنجا باشد؛ و داوود را برگزیده‌ام تا بر قوم من اسرائیل باشد. ۲ تواریخ ۶:۵، ۶

سرزمینِ تحت‌اللفظیِ یهودا برای اسرائیل باستانی تحت‌اللفظی، سرزمینِ جلال بود، و ایالات متحده سرزمینِ روحانیِ یهودا، یعنی سرزمینِ جلال برای اسرائیل روحانی معاصر است.

«هنگامی که سرزمینی که خداوند آن را به‌عنوان پناهگاهی برای قوم خویش فراهم ساخت تا بتوانند او را مطابق با احکام وجدان‌های خود عبادت کنند، سرزمینی که طی سالیان دراز سپرِ قدرتِ مطلق بر آن گسترده شده است، سرزمینی که خدا با قرار دادن آن به‌عنوان امانتدارِ دینِ پاکِ مسیح آن را مورد لطف خویش قرار داده است—آنگاه که آن سرزمین، به‌وسیلهٔ قانون‌گذارانِ خود، از اصولِ پروتستانیسمِ تبری جوید و با دست بردن در شریعتِ خدا به ارتدادِ رومیِ مجال و حمایت دهد—در آن هنگام است که کارِ نهاییِ مردِ گناه آشکار خواهد شد.» Signs of the Times, June 12, 1893

پس از آن‌که پادشاهِ جعلیِ شمال در آیهٔ چهل، در سال ۱۹۸۹، بر پادشاهِ جنوب (اتحاد جماهیر شوروی سابق) غلبه کرد، آنگاه سرزمینِ جلال را نیز فتح می‌کند (ایالات متحده). در آیهٔ چهل و یک، واژهٔ «کشورها» واژه‌ای افزوده شده است و کاملاً دقیق نیست؛ زیرا در هنگامِ قانونِ یکشنبه، آن «بسیاری» که سرنگون می‌شوند، گروهی از مردماند که پیش از فرارسیدنِ قانونِ یکشنبه، تفاوتِ میانِ سبتِ روزِ هفتم و روزِ خورشید را می‌شناختند.

sabatu jest znakiem, czyli pieczęcią autorytetu Kościoła rzymskiego. Ci, którzy, Boga, rozumiejąc roszczenia czwartego przykazania, wybierają zachowywanie fałszywego sabatu zamiast prawdziwego, oddają przez to hołd tej władzy, przez którą jedynie został on nakazany. Znakiem bestii jest papieski sabat, który został przyjęty przez świat w miejsce dnia wyznaczonego przez Boga,

»پر زمان دریافت نشان وحش، آن گونه که در نبوت تعیین شده است، هنوز فرا نرسیده است. زمان آزمون هنوز نرسیده است. در هر کلیسا مسیحیان حقیقی یافت می شوند، و جماعت کاتولیک رومی نیز مستثنا نیست. هیچ کس محکوم نمی شود مگر آن گاه که نور را یافته و الزام حکم چهارم را دریافت کرده باشد. اما هنگامی که فرمانی صادر شود که سبت جعلی را الزام آور سازد، و چون فریاد بلند فرشته سوم مردم را از پرستش وحش و تصویر آن بر حذر دارد، آنگاه مرز میان کاذب و حقیقی به روشنی ترسیم خواهد شد. سپس آنان که همچنان در تعدی پافشاری می کنند، نشان وحش را بر پیشانی های خود یا بر دست های خود خواهند پذیرفت.»

»با گام هایی شتابان به این دوره نزدیک می شویم. هنگامی که کلیساهای پروتستان با قدرت سکولار متحد شوند تا دینی کاذب را حمایت کنند - دینی که نیاکان ایشان به سبب مخالفت با آن سخت ترین آزارها را تحمل کردند - آنگاه سبت پاپی به وسیله اقتدار مشترک کلیسا و دولت تحمیل خواهد شد. ارتدادی ملی رخ خواهد داد که فرجام آن جز ویرانی ملی نخواهد بود.» Bible.

Training School, February 2, 1913

طبقه «بسیاری» که در قانون یکشنبه ای که به زودی فرا می رسد ساقط می شوند، کسانی هستند که در برابر نور سبت مسئول شناخته خواهند شد؛ نوری که برای آن زمان عطا شده است، زمانی که نقطه عطف و بحرانی در تاریخ هم کلیسا و هم ملت هاست. آن طبقه، کلیسای ادونتیسیم لائودیکیه است که به پایان سرگردانی خود در بیابان عصیان رسیده است. در همان جاست که برای ابد از دهان خداوند بیرون افکنده می شوند. ادونتیسیم لائودیکیه کسانی هستند که یا در نخستین قادیان در تاریخ 1844 تا 1863، یا در دومین قادیان در تاریخ 2001 تا قانون یکشنبه، به سوی نور فرشته سوم فراخوانده شدند.

و به او گفت: ای دوست، چگونه بی جامه عروسی به اینجا درآمده ای؟ و او لال ماند. آنگاه پادشاه به خادمان گفت: دست و پای او را ببندید، و او را برداشته، به ظلمت بیرونی بیفکنید؛ در آنجا گریه و فغان و دندان بر هم ساییدن خواهد بود. زیرا بسیاری خوانده می شوند، اما اندکی برگزیده اند. متی 12:22-14.

صدای فرشته سوم، چه در ۱۸۴۴ و چه در ۲۰۰۱، دعوتی به عروسی بود. «بسیاری» که در قانون یکشنبه سرنگون می شوند، همان «بسیاری» هستند که جامه عروسی عدالت مسیح را رد کردند و در عوض، بخشی از مجلس ازدواج ده پادشاه با فاحشه روم می گردند. برای آن ازدواج، شخص می تواند جامه های خود را نگاه دارد، زیرا تمام آنچه برای رفع عار خویش نیاز دارند این است که به نام خانوادگی آن فاحشه ای خوانده شوند که بر ده پادشاه سلطنت می کند.

اور اُس دن سات عورتیں ایک مرد کو پکڑ لیں گی اور کہیں گی، ہم اپنی روٹی خود کھائیں گی اور اپنا لباس خود پہنیں گی؛ فقط ہمیں تیرے نام سے کہلانے دے، تاکہ ہماری ننگ دور ہو جائے۔ یسعیاہ 4:1

آنان در نخستین آزمون خوراکی مردود شدند، زیرا نان خود را برگزیدند تا نان آسمان را. در دومین آزمون نیز، که می بایست با ظاهر ساختن خلق و خوی خدا او را جلال دهند، ناکام ماندند؛ بلکه در عوض، جامه های خود را پوشیدند. در سومین آزمون تعیین کننده نیز مردود شدند، زیرا نام وحش را - یعنی

خُلُق و خوی او را - ظاهر ساختند، چون نام مسیح را - یعنی خُلُق و خوی او را - رد کردند. مقصودِ نمرود از ساختن شهری (دولت) و برجی (کلیسا) در نخستین ذکرِ بابل این بود که برای خود نامی بسازد.

اور اُنہوں نے کہا، اُو، ہم اپنے لیے ایک شہر اور ایک برج بنائیں جس کی چوٹی آسمان تک پہنچے؛ اور ہم اپنے لیے ایک نام پیدا کریں، ایسا نہ ہو کہ ہم تمام روئے زمین پر پراگندہ ہو جائیں۔ پیدایش 11:4۔

نام، نمادِ شخصیت است، و شخصیتِ نبوی وحشِ ہشتم، کہ از آن ہفت است، ماہیتِ دوگانہ ترکیبِ کلیسا (برج) و دولت (شہر) است۔ در بحرانِ ایامِ آخر، انسان ہا بہ دو طبقہ جدا خواہند شد۔

«تنہا دو طبقہ می توانند وجود داشته باشند۔ ہر گروہ بہ روشنی مہر خوردہ است: یا با مہرِ خدای زندہ، یا با نشانِ وحش یا تصویرِ او۔ ہر پسر و دختر آدم، یا مسیح را بہ عنوان سردارِ خود برمی گزیند یا باراباس را۔ و ہمہ کسانی کہ خود را در جانبِ بی وفایان قرار می دہند، زیرِ پرچمِ سیاہِ شیطان ایستادہ اند و بہ رد کردنِ مسیح و رفتارِ اہانت آمیز با او متہم اند۔ آنان متہم اند کہ عمداً خداوندِ حیات و جلال را مصلوب می کنند۔» Review and Herald, January 30, 1900.

یک دستہ، تصویرِ وحش را نمایندگی خواہند کرد، و دستہ دیگر، تصویرِ مسیح را۔ یکی جامہٴ عروسیِ مسیح را بر تن خواہد داشت، و دستہ دیگر «پوشاکِ خود» را بر تن خواہند کرد۔ یک دستہ از خوراکِ آسمانی خواہند خورد، و دیگری «نانِ خود» را خواہند خورد۔ آن دستہ کہ نانِ خود را می خورند و پوشاکِ خود را نگاہ می دارند، نمایندہٴ آن «بسیاری» ہستند کہ بہ وسیلہٴ صدای فرشتہٴ سوم خواندہ شدند، و ایشان ہم «بسیاری» ہستند کہ در قانونِ یکشنبہ ای بہ زودی آمدنی سرنگون می شوند۔ کوششِ ایشان برای رہایی بخشیدنِ وضعیّتِ از دست رفتہٴ خود، آنگاہ کہ در بحرانِ قانونِ یکشنبہ ای شخصیتِ ہایشان آشکار می گردد، ہم آن امیدِ باطل است کہ اگر بتوانند نامِ فاحشہٴ روم را بپذیرند، این کارِ ننگِ ایشان را برطرف خواہد کرد۔

در آن زمان، اندک شمارِ برگزیدگان بہ عنوانِ عَلمِ صد و چہل و چہار ہزارِ افراشتہ می شوند، و سپس در آیہٴ چہل و یک، گروہِ دیگری پدیدار می شود کہ آنگاہ از دستِ پادشاہِ مقلدِ شمال «می رهند»۔ واژہٴ عبری ای کہ در آیہٴ چہل و یک «می رهند» ترجمہ شدہ است، بہ معنای رہایی یافتنِ بہ گونہ ای است کہ گویی بر اثرِ لغزندگی باشد؛ و این تعریف، مفہومِ در دست داشتنِ قالبی صابون در آب را القا می کند کہ بہ سببِ لغزندگی صابون، از دستِ می لغزد و بیرون می رود۔ عنصرِ اصلیِ تعریفِ این واژہ، ہنگامی کہ در زبانِ عبری بہ کار می رود، آن است کہ ہر آنچہ می گریزد، چیزی است کہ پیش از آن گریز، تحتِ سلطہٴ آن چیزی بودہ است کہ اکنون از آن می گریزد۔

در آیہٴ چہل و یک، اتحادِ سہ گانہٴ اژدہا، وحش و نبی کاذب تحقق می یابد۔

«پروتستان ہای ایالات متحدہ در پیشگام ترین جایگاہ خواہند بود تا دستانِ خود را از فراز این شکافِ دراز کنند و دستِ روح گرایی را بفشارند؛ آنان از فراز این ورطہٴ دست دراز خواہند کرد تا با قدرتِ روم دست دہند؛ و تحتِ تأثیرِ این اتحادِ سہ گانہ، این کشور در پای نہادنِ بر حقوقِ وجدان، در گام ہای روم خواہد رفت۔» جدالِ عظیم، 588.

है मलिता हाथ साथ के पोपसत्ता और राष्ट्र संयुक्त समय के वधिन के रविवार अमेरिका राज्य संयुक्त जब के उत्तर जालसाज़ तब जो और, है होता रहा में हाथ के पोपसत्ता पहले जो है होता समूह ऐसा एक का लोगो तब के जन्मदनि के हेरोदेस थे। गए रखे में पकड़ की शक्ति पोपीय पहले लोग वे है।" नकिलता बच "से हाथ के राजा कारागारो रोमी समय उस जो, है गया कथिा द्वारा के देनेवाले बपतस्मा यूहनना प्रतनिधित्व का लोगो उन में भोज समय के वधिन के रविवार जो वर्ग वह का लोगो था। रहा कर प्रतीक्षा की छुटकारे या मृत्यु और, था में कैद की आधुनिक प्रकार इस और, है गया कथिा नरूपति द्वारा के गोत्रों तीन, है नकिलता बच से बंधुआई की पोपसत्ता है। प्रतीक का संरचना त्रविधि की बाबुल

در همان زمان، دومین صدا در فصل هجدهم مکاشفه، آن مردم را فرامی‌خواند که از بابل بگریزند، تا در داوری‌های او که آنگاه می‌باید آغاز شوند، شریک نگردند. آن صدای دوم، صدای مسیح است، اما نمایانگر صدای آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری است که در آن هنگام، پیام فرشته سوم را با آواز بلند اعلام می‌کنند. هنگامی که آنان از دست می‌گریزند (که نمادی از تسلیم است)، از دست پادشاه جعلی شمال می‌گریزند، و آنگاه دست پادشاه حقیقی شمال را می‌یابند.

در کوه کرمل، انبیای یَعل کشته شدند، و چون آن خدای کاذب مذکر را نمایندگی می‌کنند، نماینده دولت‌اند، و انبیای عشتاروت نماینده کلیسا هستند. ایلیا انبیای بعل را کشت و بدین‌سان پایان مملکت ششم را مشخص ساخت، هرچند دین پروتستانیسم مرتد، چنان‌که به وسیله سالومه نمود یافته بود، همچنان نمایان بود. سالومه، یعنی پروتستانیسم مرتد، هیروودیس را می‌فریبد، و ده پادشاه موافقت می‌کنند که با سر هشتم، که از آن هفت سر بود، به اتحادی میان کلیسا و دولت درآیند. سالومه همان کسی است که هیروودیس زناکار در دل خود به او شهوت می‌ورزد.

لیکن میں تم سے کہتا ہوں کہ جو کوئی کسی عورت پر شہوت کی نیت سے نگاہ کرے، وہ اپنے دل میں اُس کے ساتھ پہلے ہی زنا کر چکا ہے۔ متی 5:28.

شہوت زناي محارم ہيرووديس نے اُس کے دل میں اُن کے جسموں کو آپس میں جوڑ دیا، اور یوں وہ اپنے دل میں سلومی کے ساتھ ایک ہو گیا۔

ازاین‌رو مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد. پیدایش ۲:۲۴.

در جشن تولد هیروودیس، هیروودیس و سالومه با یکدیگر متحد شدند، و هیروودیس که نمونه‌آخاب بود، سر ده پادشاه پادشاهی شمالی است. در قانون یک‌شنبه که به زودی فرا می‌رسد، ششمین پادشاهی جانور زمین آنگاه پایان می‌یابد که شاخ‌ها، که به یک شاخ تبدیل شده بودند و نمایانگر ترکیب شاخ‌های کلیسا و دولت بودند (تصویر وحش)، به دست ایلیا کشته می‌شوند. سپس سالومه هیروودیس را می‌فریبد، با او یکی می‌شود، و او را متقاعد می‌سازد که نیمی از پادشاهی خود (دولت جهانی) را به مادرش (کلیسای جهانی) بدهد. آنگاه سالومه کنترل آخاب و ده سبط او را به دست گرفته است، زیرا آن ده پادشاه همگی با یکدیگر توافق دارند.

و آن ده شاخی که دیدی، ده پادشاه‌اند که هنوز پادشاهی نیافته‌اند؛ بلکه با وحش، برای یک ساعت، اقتدار پادشاهی می‌یابند. اینان یک‌رأی‌اند، و قدرت و توان خود را به وحش می‌سپارند. مکاشفه 17:12، 13

وحشی که قدرت و قوت خویش را به آن می‌سپارند، همان وحشی است که فاحشه بر آن سوار است. این وحش، خصلت آن صورت را نمایان می‌سازد، که همانا آمیزه کلیسا و دولت است، با این ویژگی که زن (کلیسا) بر این رابطه حاکم است؛ زیرا این یک ازدواج لاتینی است، که در آن نام خانوادگی، نام زن است، و زن بر مرد فرمان می‌راند، در عصیان بر ضد رابطه حقیقی ازدواج.

به زن گفت: «درد و آبستنی تو را بسیار افزون خواهم ساخت؛ با درد فرزندان خواهی زایید؛ و اشتیاق تو به سوی شوهرت خواهد بود، و او بر تو حکم خواهد راند.» پیدایش ۳:۱۶.

آن ده پادشاه هم‌فکر و هم‌دل‌اند.

«مکاشفه 17:13-14 نقل شد. «اینان یک‌رأی هستند.» پیوندی همگانی اتحاد پدید خواهد آمد، هماهنگی‌ای عظیم، اتحادیه‌ای از نیروهای شیطان. «و قوت و قدرت خود را به وحش خواهند سپرد.» بدین‌سان همان قدرت خودکامه و ستمگر بر ضد آزادی دینی، یعنی آزادی پرستش خدا بر

وفق حکم وجدان، آشکار می‌شود؛ همان قدرتی که از سوی پاپیت ظاهر شد، آنگاه که در گذشته کسانی را که جرأت می‌کردند از همنوایی با آداب و مراسم دینی رومی‌گری سر باز زنند، مورد آزار و جفا قرار می‌داد.»

«در نبردی که در ایام آخر باید به وقوع پیوندد، تمامی قدرت‌های فاسدی که از وفاداری به شریعت یهوه مرتد شده‌اند، در مخالفت با قوم خدا متحد خواهند شد. در این نبرد، سبت فرمان چهارم موضوع بزرگ مورد مناقشه خواهد بود؛ زیرا در فرمان سبت، شریعت‌گذار اعظم خویشان را به عنوان آفریدگار آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, 983

ده پادشاه، که رهبرشان آخاب، یا هیرودیس، است، به وسیله سالومه، دختر هیروودیا، فریفته شده‌اند. سازمان ملل متحد، که در هنگام قانون یکشنبه به وسیله سالومه، یعنی دین کاذب پروتستانیسم مرتد، فریفته می‌شود، و که پیش‌تر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس بود، زمام پادشاهی ده پادشاه را به دست می‌گیرد؛ همانانی که همگی موافقت می‌کنند نیمی از پادشاهی خود را به دین کاتولیسیسم بدهند. آنان این تصمیم متفق‌القول را می‌گیرند، زیرا همه پادشاهان به واسطه رقص فریبنده سالومه اغوا شدند. آنان موافقت می‌کنند که قوت متحد خود را در کار کشتن کسانی به کار برند که به وسیله یحیای تعمیددهنده نمود یافته‌اند.

وحش (سازمان ملل متحد) تحت حکومت یک پادشاه برتر اداره می‌شود (دختر ایزابل). ایزابل دختر خود را هدایت کرده بود تا رابطه زناکارانه و محارم‌آمیز با هیرودیس و دیگر پادشاهان را آغاز کند، زیرا او مادر فاحشه‌هاست. او قواد دختر خود خویش است. هیرودیس، آخاب و سازمان ملل متحد به وسیله نبی کاذب، که ایالات متحده است، فریفته شدند. ایالات متحده، هنگامی که انبیای بعل کشته شدند، از اینکه پادشاهی ششم باشد بازمی‌ایستد، و انبیای عشتاروت (سالومه) بی‌درنگ قدرت حاکم پادشاهی هفتم می‌شوند، زیرا آنچه را که به‌تازگی در ایالات متحده به انجام رسانده بود، در جهان تکرار می‌کند.

جانور، پادشاهانی هستند که با دختر فاحشه در رابطه‌اند، و فاحشه آن زنی است که بر جانور فرمان می‌راند. عیسی پایان یک چیز را با آغاز آن به تصویر می‌کشد. همان‌گونه که تصویر هشت پادشاهی در فصل هفدهم مکاشفه، هشت پادشاهی فصل دوم دانیال را مهرگشایی کرد، جانور و زنی که بر جانور سوار است، حقیقت نبوی دیگری را مهرگشایی می‌کند که بر این اصل استوار است که نخست، نمایانگر آخر است.

مکاشفه باب ستره بائبلی نبوت کی سلطنتوں کے بارے میں آخری حوالہ ہے، اور اس لیے یہ تقاضا کرتا ہے کہ دانی ایل باب دو، جو بائبلی نبوت کی سلطنتوں کے بارے میں پہلا حوالہ ہے، نبوتی ضرورت کے تحت لازماً آٹھ سلطنتوں کی نمائندگی بھی کرے، جن میں آٹھویں سلطنت انہی سات میں سے تھی۔ اسی طرح، باب ستره میں عورت اور اس حیوان پر، جس پر وہ سوار ہے، جو عدالت واقع ہوتی ہے، اس کی نمائندگی 1798 میں کسبی پر ہونے والی پہلی عدالت میں ہونا لازم ہے۔

فرشتہ در آغاز باب ہفدهم به یوحنا اعلام کرد کہ قصد دارد داوری فاحشه عظیم و وحشی را کہ او بر آن سوار است به او نشان دهد۔ نخستین باری کہ فاحشه داوری شد، به درستی سال 1798 دانسته شده است؛ زمانی کہ پاپیت زخم مهلک خود را دریافت کرد و زمان آخر فرا رسید۔ با این حال، ہر گاہ «زمان آخر» در تاریخ نبوی به تصویر کشیده می‌شود، ہموارہ دو نشانہ راہ وجود دارد کہ به وسیلہ اشخاص نمادپردازی شدہ‌اند۔ تولد ہارون و برادرش موسی، زمان آخر در آن تاریخ بود۔ آن دو نشانہ راہ، ولادت یحیای تعمیددہندہ و شش ماہ بعد پسرخالہ اش عیسی را نمونہ وار نشان می‌دادند و بدین سان زمان آخر آن تاریخ را مشخص می‌کردند۔ در پایان اسارت ہفتادسالہ، کہ نمونہ زمان آخر در 1798 است، داریوش و برادرزادہ اش کورش دو نشانہ راہ زمان آخر هستند۔ آنان با ہم، ریگان و بوش

اول را در زمان آخر 1989 نمونه‌وار نشان می‌دهند.

1798، که زمان آخر بود؛ هنگامی که کتاب دانیال در تاریخ میلری مهرگشایی شد، مرگ نبوی عنصر سیاسی وحش کاتولیک‌یسم را مشخص ساخت. ژنرال ناپلئون، برتیه، مستقیماً به واتیکان وارد شد، پاپ را دستگیر کرد و اقتدار سیاسی وحش کاتولیک‌یسم را پایان داد. یک سال بعد، در 1799، آن زنی که در طول قرون بر آن وحش سوار بود، که به وسیله پاپ نمایانده می‌شد، در اسارت مرد. داوری فاحشه، داوری بر وحشی را نیز که او برای حکومت بر ملت‌ها به کار گرفته بود، در بر می‌گیرد. مکاشفه باب هفده هم داوری وحش را مشخص می‌سازد، و هم داوری فاحشه‌ای را که بر وحش حکم می‌راند و بر آن سوار است.

«دنیا از طوفان و جنگ و نزاع آکنده است. با این حال، مردم زیر یک سر—قدرت پاپی—متحد خواهند شد تا در شخص شاهدان او با خدا مخالفت ورزند.» شهادت‌ها، جلد ۷، ص. ۱۸۲.

سر هشتم، که از آن هفت است، همان قدرت پاپی است که بر آن وحش سلطنت می‌کند؛ وحشی که از ده پادشاه تشکیل شده است و به وسیله دختر آن فاحشه‌ای که بر وحش سوار است، اداره می‌شود. عناصر پادشاهی هشتم، که از آن هفت است، باید در هشتمین و آخرین رئیس‌جمهور، که از میان آن هفت رئیس‌جمهور است، دیده شود، آنگاه که تصویر وحش در درون ایالات متحده شکل می‌گیرد. ترکیب شاخ‌های مرتد جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم باید «سری» داشته باشد که بر تصویر وحش حکم براند، و آن حاکم دیکتاتوری بی‌همتا خواهد بود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

نغمه یا مزموور آساف. ای خدا، خاموش مباش؛ سکوت مکن و آرام منشین، ای خدا. زیرا اینک دشمنانت غوغا برپا کرده‌اند، و آنان که از تو نفرت دارند، سر برافراشته‌اند. آنان بر ضد قوم تو با مکر مشورت کرده‌اند، و بر ضد نهفتگان تو تدبیر نموده‌اند. گفته‌اند: «بیایید و ایشان را از آن که قومی باشند منقطع سازیم، تا نام اسرائیل دیگر به یاد آورده نشود.» زیرا ایشان با یک‌دل با هم مشورت کرده‌اند؛ و بر ضد تو هم‌پیمان شده‌اند: خیمه‌های ادوم و اسماعیلیان؛ موآب و هاجریان؛ جبال و عمون و عمالیق؛ فلسطینیان با ساکنان صور؛ آشور نیز به ایشان پیوسته است؛ و فرزندان لوط را یاری داده‌اند. سلاه. مزامیر ۸۳:۸-۸